

سنجش و مقایسه میزان پیامدهای انزوای اجتماعی در میان دو گروه توده و نخبه جامعه در دوران سازندگی و اصلاحات

سید حسن حسینی (نویسنده اصلی)

مجید فولادیان

زینب فاطمی امین

چکیده

مقاله حاضر بر آن است تا با توجه به دو سیاست اجتماعی متفاوت که دو رئیس جمهور پیشین ایران (آقای هاشمی رفسنجانی و آقای محمد خاتمی) در طول ۸ سال دوران ریاست جمهوری خود در پیش گرفتند، به «سنجش و مقایسه میزان پیامدهای انزوای اجتماعی در میان دو گروه توده و نخبه جامعه ایران» پردازد. در این راستا ابتدا به بررسی ابعاد پیامدهای انزوای اجتماعی پرداخته شده است و چهار بعد اساسی «احساس یأس»، «احساس تنهایی»، «احساس عجز» و «تحمل اجتماعی» به عنوان ابعاد پیامدهای انزوای اجتماعی تعیین گردیده است. سپس شاخص های پیامدهای انزوای اجتماعی در دو پیمایش ارزش ها و نگرش هایی که در دوران دو رئیس جمهور انجام شده است (دو نظرسنجی ملی سال های ۱۳۷۴ و ۱۳۸۲ (موج دوم)) با روش تحلیل ثانویه مورد بررسی قرار گرفته است و میزان شکاف در میان دو گروه توده و نخبه محاسبه گردیده و آن‌ها در دوران سازندگی و اصلاحات مورد مقایسه قرار گرفته اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که هر چند سیاست های آقای خاتمی در برخی از شاخص های «یأس اجتماعی» از جمله رضایت از خانواده، رضایت از وضع سلامتی و رضایت از وضع شهر محل زندگی موفق بوده است، اما دیگر شاخص ها و معرف های پیامدهای انزوای اجتماعی در دوران ایشان حاکی از افزایش «احساس یأس» در میان هر دو گروه نخبه و توده است. از سوی دیگر شکاف نظر میان این دو گروه نیز در این دوران افزایش یافته است. در بعد «احساس تنهایی» نتایج به گونه ای دیگر بود. در حالی که در دوران سازندگی قشر نخبه به شدت خود را بیگانه و تنها احساس می کرد، اما در دوران اصلاحات از احساس تنهایی این گروه بسیار کاسته شد. در بعد «احساس عجز و ناتوانی

اجتماعی» عملکرد دولت آقای خاتمی در مقایسه با دولت آقای هاشمی رفسنجانی بسیار ضعیف تر بوده است، زیرا هر دو گروه نخبه و توده احساس عجزشان در این دوره افزایش یافته است. اما در مورد «تحمل اجتماعی» افزایش ناچیزی را در دوران آقای خاتمی مشاهده می کنیم. نکته قابل ملاحظه در این باب شکاف میان نظر توده و گروه نخبه است که آن را ناشی از تعاملات برون گروهی بیشتر گروه نخبه نسبت به توده دانستیم.

کلیدواژه‌ها: انزوای اجتماعی، احساس یأس، احساس تهایی، دوران سازندگی، دوران

اصلاحات

مقدمه

افراد تحصیل کرده و نخبه جامعه به لحاظ نگرشی و رفتاری با دیگر گروه های جامعه تفاوت های اساسی دارند. این تفاوت ها اگر کم و سطحی باشند باعث ایجاد دگرگونی های مثبت و تحول و رشد جامعه می شوند.

اما اگر این شکاف عمیق گردد باعث نابسامانی های بسیاری از جمله عدم درک نخبگان از جانب توده و انزوای آن ها در جامعه می گردد. این امر مشکلات زیادی را از جمله عوام زدگی توده به همراه خواهد داشت.

به طور کلی احتمال بروز شکاف میان نخبگان و مردم در جوامع جهان سوم از جمله ایران بیش از کشورهای صنعتی است، زیرا تحول اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این جوامع، چنان سریع است که منجر به جدایی گزینی بیشتر این دو گروه می شود. مطالعه زمینه های گوناگون زاویه شکاف و تفاوتی که میان نخبگان و مردم در آن زمینه ها وجود دارد و نیز سیر تحول این شکاف می تواند ما را به درک عمیق تری از جامعه خود رهنمون کند (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۵۵).

در ایران پس از انقلاب، ایرانیان دوران پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشتند. مردم ایران پس از انقلاب تنها از سال ۱۳۶۸ یعنی پس از اتمام جنگ ثبات نسبی را تجربه کردند. در این سال آقای هاشمی رفسنجانی با سیاست های مبتنی بر شعار سازندگی توانست دو دوره به عنوان رئیس جمهور ایران بر سر کار باشد. سیاست های کلان دولت ایشان بیشتر بر توسعه صنعتی کشور استوار بود (پسران، ۲۰۰۰ و رزاقی، ۱۳۷۴) و شاید این یک جانبه نگری، این دولت را در امور فرهنگی و سیاست خارجی با عدم توفیق روبه

رو نمود. از سال ۱۳۷۶ و پس از پایان ۸ سال دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، مردم ایران آقای خاتمی را به عنوان رئیس جمهور برگزیدند. دولت آقای خاتمی از همان ابتدا با شعارهای فرهنگی و نخبه گرا کار خود را آغاز نمود (وزیری، ۱۳۸۱ و حنفی، ۱۳۷۹ و دلاویز، ۱۳۸۵). به طور کلی سیاست های این دوران با توجه به قشر حاکم در آن بستر مناسبی را برای بهبود وضعیت نخبگان کشور فراهم نمود.

تحقیق حاضر بر آن است تا با توجه به دو سیاست اجتماعی متفاوت که دو رئیس جمهور پیشین ایران در طول ۸ سال حکومت خود در پیش گرفتند به سنجش و مقایسه «میزان پیامدهای انزوای اجتماعی در میان دو گروه توده و نخبه جامعه ایران در دوره ریاست جمهوری آقایان هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸-۱۳۷۶) (دوران سازندگی) و محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) (دوران اصلاحات)»، پردازد.

خوشبختانه وجود داده های دو پیمایش ملی در باب ارزش ها و نگرش های ایرانیان که اولی در سال ۱۳۷۴ در اواخر دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و دومی در سال ۱۳۸۱ یعنی اواخر حکومت آقای خاتمی، انجام گرفته است ما را قادر می سازد تا با ساخت مقیاس هایی بر اساس گویه های این دو پیمایش پیامدهای انزوای اجتماعی را در دو دوره ریاست جمهوری آقایان هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی با روش «تحلیل ثانویه» مورد مقایسه و ارزیابی قرار دهیم.

سؤالات تحقیق

سؤال اساسی که در طول این مقاله به دنبال پاسخ آن هستیم عبارت است از سنجش میزان پیامدهای انزوای اجتماعی در دو گروه نخبه و توده جامعه در مقایسه در دو دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی (دوران سازندگی) و آقای خاتمی (دوران اصلاحات)، که می خواهیم بازتاب عملکرد دو رئیس جمهور را با توجه به سیاست های مختلفی که در پیش گرفتند بر مسئله انزوای اجتماعی در جامعه بسنجیم. بر این مبنا سؤالات زیر را در مقاله حاضر در نظر داریم:

۱- میزان پیامدهای انزوای اجتماعی در دو گروه نخبه و توده جامعه به تفکیک در دو دوره سازندگی و اصلاحات چقدر است؟

۲- شکاف میان نخبگان و توده ها در این دو دوره در ابعاد گوناگون پیامدهای انزوای چه تحویلی یافته است؟

۳- کدام نوع سیاست اجتماعی توانسته است شکاف میان نخبگان و توده ها را در بعد انزوای اجتماعی کاهش دهد؟

روش تحقیق

مقاله حاضر با روش «تحلیل ثانویه»^۱، بر اساس پژوهش های ملی «ارزش ها و نگرش ها در ایران» و با محوریت دو نظر سنجی ملی سال های ۱۳۷۴ توسط دکتر منوچهر محسنی و ۱۳۸۲ (موج دوم) زیر نظر دفتر طرح های ملی وزارت ارشاد اسلامی انجام شده است، صورت می گیرد.

تعریف و دسته بندی گروه ها

برای تحلیل ثانوی شکاف میان نخبگان و توده مردم علی الاصول باید پژوهش هایی در خصوص نخبگان و مردم وجود داشته باشد. از آنجا که پژوهش های موجود عموماً متکی بر اندازه گیری متغیرهای شناخته شده هستند، لذا در میان این متغیرها، «سطح تحصیلات» را می توان به عنوان عامل اصلی و تعیین کننده در تفاوت میان نخبگان و مردم تلقی کرد. گرچه هر نخبه ای الزاماً دارای تحصیلات عالی نیست و بر عکس هر فردی که تحصیلات عالی دارد الزاماً نخبه نمی باشد، ولی به نظر می رسد که در میان متغیرهای موجود بهترین ملاک برای تشخیص این گروه سطح تحصیلات است. بدین منظور میان دو گروه از افراد «دارای لیسانس و بالاتر» از یک سو و افراد «بی سواد و یا دارای تحصیلات ابتدایی» از سوی دیگر، در ابعاد گوناگون پیامدهای انزوای اجتماعی مقایسه و برحسب حداکثر و حداقل شکاف میان این دو گروه در دو دوره ریاست جمهوری آقایان هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی تحلیل صورت می گیرد.^۲

۱- تحلیل ثانویه بررسی مجدد داده های تحقیقات پیشین یا داده هایی است که توسط افراد دیگر تولید و جمع آوری شده است، از جمله مزایای تحلیل ثانویه این است که محقق را به تفکر بیشتر درباره مطالب اساسی و اهداف نظری و او می دارد و می کوشد تا در مورد مسائل روش شناسی و گردآوری داده های جدید مطالعه کند، و این خود یکی از دلایل اعتبار بالای این روش است (بیکر، ۱۳۷۷: ۳۰۸).

۲- علت انتخاب گروه دوم بر مبنای افراد دارای تحصیلات ابتدایی و کمتر این است که حدود نیمی از مردم ما را این گروه تشکیل می دهند و نیز فاصله میان آنها و افراد تحصیل کرده را بهتر می توان نمایان ساخت. این گروه به عنوان توده مردم تلقی می شوند (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۶۰).

سؤال ها و گویه های پاسخ داده شده، بر حسب متغیر تحصیلات تفکیک شده اند. بدین معنا که افراد بی سواد و دارای تحصیلات ابتدایی و کمتر در یک مقوله گنجانده شده اند (گروه توده) و افراد دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر در یک مقوله دیگر (گروه نخبه) قرار گرفته اند و پاسخ های این دو گروه با یکدیگر مقایسه شده است.

پاسخ های داده شده به سؤال ها بر حسب چگونگی طرح سؤال انتخاب شده است. بدین معنا که در سؤال های طیفی دو سر طیف انتخاب شده است تا مقایسه راحت تر باشد و موارد میانی حذف گردیده اند (عبدی و گوردزی، ۱۳۷۸: ۶۰).

به عنوان مثال سؤال زیر بدین صورت تدوین گردیده است:

س: به طور کلی از زندگی چقدر احساس رضایت می کنید؟

راضی	ناراضی	
۴۶	۱۹	توده
۵۴	۷	نخبه

برای پیدا کردن میزان شکاف و اختلاف نظر میان دو گروه، طرفین جدول فوق در یکدیگر ضرب و بر هم تقسیم شده اند:

$$\frac{19 \times 54}{46 \times 7} \cong 3/18$$

رقم حاصل نشان دهنده میزان تفاوت دو گروه بدان معناست که گروه نخبه ۳/۱۸ برابر بیشتر از گروه دیگر از زندگی خود احساس رضایت می کنند. در ضمن لازم به ذکر است که ارقام جدول به درصد نوشته شده است.

چارچوب نظری

انزوای اجتماعی واقعیتی است فکری که در آن فرد عدم تعلق و انفصال کاملی را با ارزش های مرسوم جامعه احساس می کند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۸). همچنین «کوهن» معتقد است که انزوای اجتماعی معادل بیگانگی فرهنگی است و نشان می دهد که «ایده و عقاید افراد درباره موضوعات مهم»

چقدر با دیگران (دوستان، خویشاوندان و هم‌وطنان و...) تفاوت دارد. برخی دیگر در تعریف خود بر اهمیت شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌کنند و در این زمینه معتقدند که افراد منزوی قادر نیستند در قالب شبکه‌های اجتماعی انسجام‌یابند (چلبی و امیر کافی، ۱۳۸۳: ۴).

مفهوم سازی انزوای اجتماعی

انزوای اجتماعی به معنای «نبود یا ضعف اتصال (ات) فرد با سایر افراد، گروه (ها) و جامعه» است. اهمیت «فقدان یا تضعیف اتصال (ات)» در تعریف فوق ما را ناگزیر می‌سازد که برای مشخص نمودن فضای مفهومی انزوای اجتماعی و ابعاد آن ابتدا نحوه و چگونگی وصل و اتصال فرد را به سایر افراد، گروه (ها) و جامعه قرار دهیم. با انجام چنین کاری است که ما می‌توانیم از فقدان و تضعیف آن‌ها بحث کنیم^۱ (امیر کافی، ۱۳۸۲: ۱۴).

به طور کلی فرد به دو طریق با جامعه رابطه برقرار می‌کند؛ یکی از طریق ایجاد ارتباط با سایر کنش‌گران در جامعه و دیگری از طریق عضویت در گروه‌ها، دو فرصت مزبور به فرد اجازه می‌دهند تا بیشتر به جامعه وصل شود و مشارکت خود را در جامعه افزایش دهد (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۴۳).

هر دو راه بر روابط و اتصالات عینی دلالت دارند و آن‌ها را می‌توان در قالب اصطلاحاتی نظیر «مشارکت غیر رسمی»^۲ (شبکه‌های غیر رسمی) و «مشارکت رسمی»^۳ (شبکه‌های رسمی) نیز به کار گرفت. مشارکت غیر رسمی ناظر بر فراوانی تماس فرد با سایر افراد (اقوام و خویشان، دوستان و

۱- می‌توان به پیروی از دورکیم بر مبنای دو نوع همبستگی «مکانیکی» و «ارگانیکی» دو نوع ارتباط و اتصال را از هم تفکیک نمود: «بر اساس همبستگی نوع اول، فرد بدون هیچ‌گونه واسطه‌ای، مستقیم به جامعه مرتبط می‌شود. در حالی که در همبستگی نوع دوم وابستگی فرد به جامعه به دلیل وابستگی اش نسبت به اجزاء سازنده است (دورکیم، ۱۳۷۸: ۱۴۲). هنگامی که دورکیم در بررسی خودکشی به طرح این نکته پرداخت که «هر چه پیوندهای افراد با جامعه کمتر باشد، احتمال اینکه اقدام به خودکشی بکنند بیشتر خواهد بود.» هر دو نوع ارتباط و اتصال را مدنظر داشت. او برای سنجش شدت و ضعف پیوندها وجه خود را به اجتماع کوچک خانواده، اجتماع مذهبی و اجتماع سیاسی معطوف داشت. در واقع دورکیم حوزه‌هایی را انتخاب کرد که امکان بالقوه ارتباط و اتصال وجود داشت، اما می‌توانست در اثر عوامل مختلف تغییر کند.

۲- information participation

۳- formal participation

آشنایان، همکاران و...) در جامعه است و مشارکت رسمی به زمینه فعالیت او در انجمن های داوطلبانه مرتبط است (روس و سانگ، ۲۰۰۰).

به هر شکل از تعاریف فوق روشن است که انزوای اجتماعی می تواند پیامدهای وخیمی برای فرد یا گروه های اجتماعی داشته باشد. مخصوصاً اگر این افراد یا گروه ها عامل اصلی تکامل جامعه در ابعاد گوناگون باشد (مانند گروه نخبگان) آن گاه انزوای آن ها در جامعه باعث به وجود آمدن فضایی پوپولیستی و بستری مناسب برای رواج خرافات و یا ایجاد حکومت های خودکامه می گردد.

پیامدهای انزوای اجتماعی

بدون تردید انزوای اجتماعی افراد را از مشارکت غیر رسمی و رسمی در جامعه محروم می سازد، «مبادله اجتماعی»^۱ و «دلبستگی اجتماعی»^۲ را کاهش می دهد (فیگوئرا، ۲۰۰۱: ۲۰-۱۸)، از تبادل پایدار و دایمی افکار و احساسات از کل به فرد و از فرد به کل جلوگیری می کند (دورکیم، ۱۳۷۸: ۲۴۲)، موجب تضعیف یا قطع روابط و مبادلات نامتقارن گرم و همچنین روابط گفتمانی می شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۵۸) و از احساس مشارکت در روابط گرم، صمیمی و انسانی جلوگیری می کند. فرصت های مناسب را برای با هم زندگی کردن^۳، با هم کار کردن^۴، با هم تجربه کردن^۵ و با هم بودن^۶ سلب می کند (پاپلین، ۱۹۷۲: ۸) و نهایتاً روابط طولانی، پایدار و عمیق را غیر ممکن می سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵).

موارد یاد شده می توانند پیامدهای مختلفی از جمله احساس تنهایی، احساس عجز، احساس یأس و کاهش تحمل اجتماعی را به دنبال داشته باشند که در ادامه به آن ها بیشتر خواهیم پرداخت (امیر کافی، ۱۳۸۲).

۱- social exchange

۲- social attachment

۳- living together

۴- working together

۵- experiencing together

۶- being together

احساس تنهایی: «کلرمن» معتقد است که احساس تنهایی از نقص در روابط نزدیک^۱ و اختلال در هم بندی های اجتماعی^۲ یا انسجام اجتماعی^۳ ناشی می شود (کلرمن، ۱۹۸۶). «هالورسن» استدلال می کند که: «احساس تنهایی عمده با میزان روابط اولیه^۴ و در سطحی محدودتر با میزان و کیفیت روابط دومین و سومین^۵ یعنی مشارکت در بازار کار و فعالیت های مدنی ارتباط دارد» (هالورسن، ۲۰۰۱: ۱).

بعضی از محققان که بر اهمیت حمایت اجتماعی تأکید می کنند، احساس تنهایی را از نقطه نظر شبکه اجتماعی تبیین می نمایند. در اینجا قضیه اساسی این است که خصایص ساختی شبکه ها، مانند اندازه و تراکم، احساس تنهایی را متأثر می سازد. در مدل ساختاری^۶ فرض بر این است که میزان و فراوانی حمایت اجتماعی که برای فرد تنها قابل دسترس است، کمتر از آن چیزی است که برای فرد معمولی فراهم می باشد (امیر کافی، ۱۳۸۲: ۱۳۷).

نتایج برخی از تحقیقات نشان می دهد افراد نه تنها در حالت انزوا از دیگران احساس تنهایی می کنند، بلکه هنگامی که تصور می کنند فاقد روابط اجتماعی دوستانه هستند نیز به این احساس دچار می شوند (بر کوویتز، ۱۳۷۲).

یأس اجتماعی (ناامیدی) و احساس عجز: در تبیین یأس اجتماعی و احساس عجز اغلب به کاهش روابط حمایتی و اختلال در روابط و مبادلات نامتقارن گرم اشاره می شود. فصل یا وصل ناقص افراد در جامعه، بریدگی اجتماعی، عدم امکان ارتباط منطقی و مشروع در سطوح جامعه و اختلال در روابط اجتماعی (روابط امداد رسانی داوطلبانه) در ابعاد معرفی، مادی و منزلتی در شبکه روابط اجتماعی، یأس اجتماعی و احساس عجز را تشدید می نماید.

هر چقدر در سطوح مختلف شبکه روابط اجتماعی جامعه، روابط امداد رسانی در ابعاد مختلف معرفی (راهنمایی، مشاوره و آموزش)، مادی (کمک اقتصادی)، عاطفی (هم دردی) و منزلتی (اعاده

۱- Intimate relation

۲- social connectedness

۳- social integration

۴- primary relations

۵- scondary and tertiary relations

۶- structural model

کرامت انسانی) بیشتر باشد به همان نسبت میزان یأس اجتماعی و احساس عجز کاهش می پذیرد. امداد رسانی در روابط حمایتی به افرادی که به هر دلیلی در یکی از ابعاد مزبور محروم باقی مانده اند، فرصتی دوباره می دهد که استعدادهای منحصر به فرد را شکوفا سازند تا بتوانند در جهت خیر جمعی گام بردارند (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۵۸).

تحمل اجتماعی: تحمل اجتماعی به سطح «تعامل اجتماعی»^۱ و «تنوع شبکه های اجتماعی»^۲ بستگی دارد. تحمل اجتماعی با توسعه شبکه اجتماعی فرد افزایش می یابد و با تضعیف آن کاهش می پذیرد. پیوستن به انجمن های داوطلبانه که در آن طرح مسائل، ابراز عقیده و پیشنهادات، تصمیم گیری ها و انتخاب و ... بر مبنای اصل مجاب سازی (روابط گفتگویی) صورت می گیرد، تحمل اجتماعی را تقویت می کند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۸۹). به اعتقاد «پانتام» وقتی افراد عضو گروه های مختلفی باشند که دارای اهداف و اعضای متفاوتی هستند، طبیعتاً به واسطه تعامل و فشارهای متقاطع دیدگاه هایشان معتدل می شود (پانتام، ۱۳۸۰: ۱۶۰). «پگستون» به شکل مبهمی استدلال می کند که عضویت در گروه ها و اجتماعات بسته و محدود سطح تحمل اجتماعی را کاهش می دهد (پگستون، ۲۰۰۲).

افراد منزوی و فاقد ارتباط در مقایسه با کسانی که به شبکه های اجتماعی وسیع تر مرتبط هستند، تحمل کمتری در مقابل دیگران متفاوت از خود نشان می دهند.

لازم به یادآوری است که با توجه به ماهیت متفاوت روابط و پیوندهایی که فرد را به سایر افراد، گروه ها و جامعه متصل می سازد، تأثیر آنها نیز بر روی پیامدهای مورد بحث یکسان نمی باشد. آنچه مسلم به نظر می رسد تفاوت هایی در نوع، فراوانی، شدت و میزان حمایت های ارایه شده در روابط و پیوندهای اجتماعی وجود دارد.

برای مثال بعضی پیوندها انواع مختلفی از حمایت را ارایه می کنند، در حالی که بعضی دیگر از آنها به ارایه یک نوع خاص از حمایت اختصاص دارند (سیمن، ۲۰۰۰: ۸۴۸).

قدرت روابط و میزان دسترسی افراد نسبت به یکدیگر یا سطح تماس به بهترین نحو حمایت های ارایه شده را تبیین می کند. تعامل گروهی، به دلیل توانایی گروه برای ارتباط، هماهنگی و کنترل، روند

۱- level of social interaction

۲- diversity of the social networks

حمایت از اعضاء را افزایش می دهد. آن‌هایی که دارای موقعیت‌های اجتماعی هستند و بسیاری از منابع مانند (پول، هم‌دلی) را کنترل می کنند، ممکن است حمایت بیشتری ارایه کنند. پیوند میان افراد مشابه ممکن است بیشتر همدلانه باشد و از این رو بیشتر به مبادلات حمایتی منجر شود، در حالی که پیوند با افراد متفاوت دسترسی گسترده‌ای را به منابع مختلف ارایه می کند (ولمان و ورتلی، ۱۹۹۰: ۵۶۰).

بنابراین با توجه به ماهیت متفاوت روابط و پیوندهای اجتماعی، قابل پیش بینی است که تأثیر آن‌ها بر روی احساس تنهایی، یأس اجتماعی، احساس عجز و تحمل اجتماعی یکسان نباشد و در این زمینه تفاوت‌هایی آشکار گردد.

با تعیین چارچوب نظری و طرح مفاهیم نویت به مرحله‌ای می رسد که طی آن می بایست مدل تحلیلی با واقعیت‌های عینی بازمینی شود و با داده‌های معتبر مورد سنجش قرار گیرد. دستیابی به اطلاعات دقیق مستلزم انجام فرآیندی است که خود از چندین فاز مختلف تشکیل شده است که از جمله می توان به تعریف مفاهیم و مقیاس سازی اشاره نمود.

تعاریف عملیاتی شاخص‌های تشکیل دهنده پیامدهای انزوای اجتماعی^۱

یأس اجتماعی (ناامیدی): به عنوان انتظارات منفی نسبت به آینده یا فقدان احساسات مثبت به آن تعریف می شود. در فضای مفهومی ناامیدی، عدم پیش بینی آینده، فقدان انگیزه و نوعی دلسردی کاملاً آشکار است.

احساس عجز: به این معنا است که فرد احساس می کند، کنش‌های او تأثیری در عالم واقع ندارد و به نتایج مورد انتظار نمی انجامد. به عبارت دیگر این اصطلاح توصیف کننده عواطف فردی است که احساس می کند مهار حوادث و رویدادهای حایز اهمیت در حیات خود را از دست داده است.

احساس تنهایی: تجربه‌ای ذهنی و نامطلوب است که به دنبال نقص (چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی) در شبکه روابط اجتماعی شخص ایجاد می گردد. احساس تنهایی در تفاوت میان سطح تماس

۱- این تعاریف بر اساس نظریه‌ها و فضای مقاله توسط محققان مشخص شده است.

های اجتماعی که فرد انتظار دارد یا خواستار آن است و میزانی که او به طور واقعی از آن برخوردار است، ریشه دارد. فردی که دچار احساس تنهایی است، احساس می کند که قادر به درک درست نیست، از جانب دیگران طرد شده است و یا فاقد الگوهای اجتماعی مناسب برای فعالیت های مطلوب می باشد، فعالیت های خاصی که حس انسجام و فرصت هایی برای نزدیکی احساسی فراهم می سازد.

تحمل اجتماعی: بر پذیرش تفاوت ها به عنوان یک امر طبیعی و واقعی دلالت دارد. و بر اساس چارچوب نظری هر چقدر فرد روابط انجمنی بیشتری داشته باشد و در گروه های اجتماعی بیشتری عضو باشد، تحمل اجتماعی اش نیز افزایش می یابد و بر عکس هر چقدر فرد روابطش بسته تر باشد و تنها در حوزه خانوادگی محدود باشد تحمل اجتماعی اش کاهش می یابد.

پیوندهای انجمنی: به عضویت در انجمن های داوطلبانه مرتبط است که بر اساس علائق افراد شکل می گیرد.

شاخص ها ، گویه ها و مقیاس ها

پس از مشخص شدن ابعاد مختلف پیامدهای انزوای اجتماعی ما می بایست شاخص ها و گویه هایی را که این ابعاد را می سنجنند از خلال گویه های به کار رفته در دو پیمایش ملی مورد نظر استخراج نماییم و با توجه به تفاوت گویه ها در برخی از ابعاد آن ها را به گونه ای سازمان دهیم تا هم مفهوم مورد نظر را بسنجنند و هم قابلیت مقایسه را در دو دوره به ما بدهند. به همین منظور ما پس از چند بار بررسی و مقایسه، گویه های زیر را (با اندکی تساهل) برای سنجش هر مفهوم انتخاب نمودیم:^۱

۱- در تحلیل ثانویه از آنجایی که تحقیق در گذشته صورت گرفته است و محقق نقشی در ساخت گویه ها و روند تحقیقات ندارد، با محدودیت هایی در ساخت مجدد مفاهیم و تحلیل آن ها روبرو است. در مقاله حاضر نیز گویه های تحقیقات گذشته هیچ کدام به طور کامل پوشش دهنده مفاهیم مورد استفاده ما نیستند. از همین رو بالاچار مفاهیمی مرکب از گویه های مربوط به یأس اجتماعی، احساس عجز، احساس تنهایی، تحمل اجتماعی و پیوندهای اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است که به دلیل عدم شباهت در برخی از گویه های این مفاهیم در سال های ۱۳۷۴ و ۱۳۸۲ مجبور شدیم گویه های مشابه را به عنوان

شاخص ها و گویه های مربوط به مفهوم یأس اجتماعی

پیمایش ارزش ها و نگرش ها - موج اول و دوم (دوران اصلاحات)	پیمایش ارزش ها و نگرش ها سال ۱۳۷۴ (دوران سازندگی)
۱-۱- فکر می کنید فاصله ثروتمندان و فقیران در هرسال آینده بیشتر می شود یا کمتر؟ ۱-۲- فکر می کنید میزان جرم و جنایت در هرسال آینده بیشتر می شود یا کمتر؟	۱-۱- آیا حاضرید پس از مرگ دوباره متولد شوید؟ ۲-۱- نسل های آینده از ما خوشبخت ترند؟
۲- رضایت از خانواده ۳- رضایت از وضع سلامتی ۴- رضایت از وضع مسکن ۵- رضایت از وضع شهر محل زندگی ۶- چه میزان از اوضاع اقتصادی کشور رضایت دارید؟ ۷- به طور کلی از زندگی چقدر احساس خوشبختی می کنید؟	۲- رضایت از خانواده ۳- رضایت از وضع سلامتی ۴- رضایت از وضع مسکن ۵- رضایت از وضع شهر محل زندگی ۶-۱- به نظر شما در هرسال گذشته تولیدات صنعتی کشور چه تغییری کرده است؟ ۶-۲- به نظر شما در هرسال گذشته تولیدات کشاورزی کشور چه تغییری کرده است؟ ۷- به طور کلی از زندگی چقدر احساس رضایت می کنید؟

در جدول فوق مشاهده می کنید که متغیرهای مشابه عیناً در مقابل هم آمده اند و آنهایی که با یکدیگر متفاوتند شاخص ها و گویه های مشابهی را که آن مفهوم را می سنجدند در مقابل هم آورده شده است.

شاخص ها و گویه های مربوط به مفهوم احساس تنهایی

پیمایش ارزش ها و نگرش ها - موج اول و دوم (دوران اصلاحات)	پیمایش ارزش ها و نگرش ها (سال ۱۳۷۴) (دوران سازندگی)

مترادف در نظر بگیریم که این امر از محدودیت های مقاله حاضر است، البته این نوع محدودیت در هر تحقیقی از نوع تحلیل ثانویه مشاهده می شود.

۱-۱- هر چند وقت یک بار با اعضای خانواده خود همفکری میکنید؟	۱-۱- دیگر به سختی می توان دوست صمیمی پیدا کرد؟
۲-۱- شما به خانواده خود چقدر اعتماد دارید؟	۲-۱- مشت خود را پیش هر کس نمی توان باز کرد؟
۳-۱- شما به خویشاوندان خود چقدر اعتماد دارید؟	۳-۱- در دوره ما آدم ها از سابق تنها ترند؟
۴-۱- شما به دوستان خود چقدر اعتماد دارید؟	

همان طور که در جدول بالا نیز مشاهده می شود، ما برای سنجش احساس تنهایی در دوران سازندگی از سه گویه استفاده می کنیم، زیرا از طرفی به نظر می رسد این سه گویه مفهوم مورد نظر را می سنجد و از سوی دیگر گزینه های مناسب دیگری در پیمایش سال ۱۳۷۴ برای سنجش این مفهوم موجود نبود.

اما در دوران اصلاحات برای سنجش احساس تنهایی ۴ گویه از پیمایش موج اول را به کار گرفته ایم. برای مقایسه این دو دوران نیز ابتدا میانگین شکاف را در سه گویه دوران سازندگی می سنجیم و سپس آن را با میانگین شکاف در ۴ گویه در دوران اصلاحات مقایسه می نمایم.

شاخص ها و گویه های مربوط به مفهوم احساس عجز

پیمایش ارزش ها و نگرش ها (سال ۱۳۷۴)	پیمایش ارزش ها و نگرش ها - موج اول و دوم (دوران اصلاحات)
۱-۱- بدون پارتی نمی توان کاری کرد؟	۱-۱- هر کس پول و پارتی نداشته باشد حقش پایمال می شود؟
۲-۱- پولدارها همیشه موفقتند.	۲-۱- عده ای معتقدند افراد عادی هر چقدر هم تخصص داشته باشند به مقامات بالائی رسند

در اینجا ما با کمی مسامحه این گویه ها را هم معنی فرض می کنیم و نتایج آن ها را با هم مقایسه می کنیم.

گویه مربوط به مفهوم تحمل اجتماعی

پیمایش ارزش ها و نگرش ها (سال ۱۳۷۴)	پیمایش ارزش ها و نگرش ها - موج اول و دوم (دوران اصلاحات)
۱- آیا با معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج موافق هستید؟	۱- آیا با معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج موافق هستید؟

در باب مفهوم تحمل اجتماعی هر چند چندین گویه مناسب در پیمایش موج دوم سال ۱۳۸۲ موجود بود اما متأسفانه در پیمایش سال ۱۳۷۴ بدیل مناسبی برای مقایسه جز گویه فوق وجود نداشت.

شاخص ها و گویه های مربوط به نوع روابط انجمنی

پیمایش ارزش ها و نگرش ها (سال ۱۳۷۴) (دوران سازندگی)	پیمایش ارزش ها و نگرش ها - موج اول و دوم (دوران اصلاحات)
حضور در انجمن علمی و فرهنگی	حضور در انجمن علمی و فرهنگی
حضور در انجمن خانه و مدرسه	حضور در انجمن خانه و مدرسه
حضور در انجمن اسلامی	حضور در انجمن اسلامی

متأسفانه پس از بررسی و تحلیل متغیرهای مربوط به روابط انجمنی مشاهده شد که اطلاعات به دست آمده در پیمایش ارزش ها و نگرش ها، سال ۱۳۷۴ در این زمینه نامعتبر و مخدوش می باشند به همین دلیل از تحلیل آن‌ها در اینجا خودداری نمودیم.^۱

ارایه نتایج و تحلیل یافته ها

نتایج حاصل از اختلاف نظر و رفتار در ابعاد گوناگون پیامدهای انزوای اجتماعی در دو پژوهش مذکور به صورت زیر دسته بندی و تحلیل شده است. در هر مقوله رقم شکاف به همان صورتی که در بخش روشی توضیح داده ایم محاسبه شده است و سپس این رقم بر حسب هر دوره ریاست جمهوری مقایسه شده است.

^۱ - به عنوان نمونه در باب فعالیت در انجمن اسلامی، ۰/۲۲ از توده (که بی سواد یا دارای تحصیلات ابتدایی می باشند) فعال بوده اند در حالی که تنها ۸/۸ از نخبگان اعلام مشارکت در این انجمن ها کرده اند. این در حالی است که انجمن ها اکثراً در دانشگاه ها و مدارس فعال هستند.

احساس یأس

همان طور که قبلاً نیز اشاره نمودیم، احساس یأس به عنوان انتظارات منفی نسبت به آینده است و به طور کلی در فضای مفهومی آن نوعی ناامیدی، عدم پیش بینی آینده، فقدان انگیزه و نوعی دلسردی کاملاً آشکار است. ما در این مقاله این مقوله را با ۷ گویه مورد تحلیل قرار می دهیم.

۱- میانگین رقم شکاف گویه های ارزیابی آینده در دو دوره ریاست جمهوری

دوران سازندگی*	دوران اصلاحات**	
۲/۵	۲/۱۹	رقم شکاف

* (محسنی، ۱۳۷۹: ۳۶۰ و ۲۷۳)

** (یافته های پیمایش، ۱۳۸۲: ۱۲۳ و ۱۱۴)

متغیر «نگاه به آینده» به عنوان مهم ترین مقوله سنجش یأس اجتماعی می باشد. متأسفانه سؤالات مشابه درباره این مفهوم وجود نداشت، به همین خاطر ما اقدام به ساخت دو مقیاس بر اساس سؤالات پیمایش سال ۱۳۷۴ و سال ۱۳۸۲ نمودیم. (جزئیات بیشتر مربوط به این مقیاس ها در بخش گویه ها و مقیاس ها قابل مشاهده است) و سپس میانگین شکاف را در میان گویه های هر مقیاس محاسبه کردیم. رقم شکاف در این باره نشان می دهد که شکاف نظر میان نخبه ها و توده ها در دوران اصلاحات نسبت به دوران سازندگی کاهش یافته است. اما ارقامی که ما تحلیل نمودیم حاکی از نگرش مثبت تر هر دو قشر توده و نخبه در دوران سازندگی نسبت به آینده است. در حالی که در دوران اصلاحات هر دو قشر آینده را منفی تر ارزیابی کرده اند.

۲- به طور کلی میزان رضایت شما از وضعیت سلامتتان چگونه است؟

دوران سازندگی*		دوران اصلاحات**		
راضی	ناراضی	راضی	ناراضی	
۶۶	۱۱	۱۵	۶۹	توده

نخبه	۶	۷۹	۴	۸۶
شکاف	۲/۲		۴/۶	

* (محسنی، ۱۳۷۹: ۲۶۶)

** (یافته های پیمایش، ۱۳۸۲: ۸۱)

نخبگان در دوران اصلاحات نزدیک به ۵ برابر از توده بیشتر از وضع سلامتی شان راضی هستند. نکته مهم در این باب این است که رضایت از وضعیت سلامتی نزد توده نیز در این دوران افزایش چشم گیری داشته است. اما به هر صورت شکاف نگرشی میان نخبگان و توده مردم نسبت به دوران سازندگی حدود دو برابر افزوده شده است و این نشان دهنده توجه بیشتر به نخبگان در سیاست های مربوط به امر سلامت در دوران آقای خاتمی است. هر چند می توان در اینجا تحلیلی جدا از سیاست های اجتماعی این دوران نیز ارائه داد و آن هم مربوط به رشد روز افزون تکنولوژی پزشکی در جامعه است و از آنجایی که قشر نخبه جامعه به دلیل نگرشش به سلامتی بیشتر از این تکنولوژی استفاده می نماید (آزادارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۳) و قشر توده به دلیل عدم استطاعت مالی و همچنین توجه کمتر به این مسائل استفاده کمتری از پیشرفت های علمی در این زمینه می نماید. اما آنچه در اینجا برای ما اهمیت دارد افزایش امنیت خاطر نسبت به سلامتی در میان قشر نخبه است و از آنجایی که سلامتی جزء ملاک های اساسی امید به آینده است (زیرا کسی که نسبت به وضع سلامتی خود احساس رضایت نداشته باشد، قطعاً نگاه مثبتی به آینده نیز نخواهد داشت) و کسی که به آینده با دیدی امیدوارانه بنگرد قطعاً میزان یأس اجتماعی کمتری نیز خواهد داشت.

۳- به طور کلی میزان رضایت شما از وضعیت زندگی خانوادگی تان چگونه است؟

دوران سازندگی*	دوران اصلاحات**		
راضی	ناراضی	راضی	ناراضی

توده	۴	۷۸	۶	۸۲
نخبه	۳	۸۴	۲	۸۹
شکاف	۱/۴			۳/۲

* (محسنی، ۱۳۷۹: ۲۶۵)

** (یافته های پیمایش، ۱۳۸۲: ۷۹)

این طور که از آمار و ارقام می توان استنباط کرد در این حوزه نیز سیاست های اجتماعی و روند تحولات فرهنگی در جامعه رشد خوبی در دوران آقای خاتمی در ایجاد فضای امن خانوادگی به همراه داشته است، زیرا ما طبق جدول بالا افزایش رضایت از زندگی خانوادگی را در هر دو قشر نخبه و توده شاهدیم. ولی نارضایتی قشر توده کمی افزایش یافته است و از سوی دیگر نارضایتی در گروه نخبه جامعه کاهش را نشان می دهد و همین امر باعث گردیده شکاف نگرشی به زندگی خانوادگی در میان توده و نخبه در دوران اصلاحات بیش از سه برابر افزایش یابد (یعنی نخبگان سه برابر بیشتر از توده از وضع خانوادگی شان رضایت دارند) و این امر نشان دهنده افزایش امنیت روانی در میان نخبگان در عرصه خانواده است و این می تواند در کاهش یأس اجتماعی در میان این گروه عاملی مهم باشد.

۴- به طور کلی میزان رضایت شما از وضع مسکن تان چگونه است؟

دوران سازندگی*		دوران اصلاحات**		
راضی	ناراضی	راضی	ناراضی	
توده	۱۳	۶۳	۳۰	۵۱
نخبه	۱۵	۷۰	۲۲	۵۵
شکاف	۱/۰۲			۱/۵

* (محسنی، ۱۳۷۹: ۲۶۸)

** (یافته های پیمایش، ۱۳۸۲: ۸۲)

طبق آمار فوق نارضایتی از وضع مسکن در دوران اصلاحات نسبت به دوران سازندگی به شدت افزایش یافته است. این امر می تواند از دو عامل باشد: ۱- عامل جمعیتی: همان طور که می دانید پس از انقلاب به دلیل عدم سیاست گذاری صحیح در آن زمان و وجود فضای انقلابی، سیاست افزایش فرزند در جامعه ترویج گردید و یک باره قاعده هرم جمعیتی ما به نحوی نامتناسب پهن گردید و در دوران اصلاحات بسیاری از کودکانی که در آن دوران متولد شده بودند به سن ازدواج رسیدند و به همین خاطر تقاضا در زمینه مسکن به شدت افزایش یافت. به دلیل محدود بودن امکانات و عدم برنامه ریزی در این باب در سال های پیش از آن مسأله مسکن در جامعه ما به حالت بحران رسید. ما طبق جدول شاهد افزایش نارضایتی در هر دو گروه توده و نخبه جامعه در این باب می باشیم. اما میزان نارضایتی در گروه توده بیشتر از قشر نخبه است و آن هم به دلیل پایین تر بودن سن ازدواج در این گروه است، زیرا عده ای بیشتر از این گروه که جوانان متولد سال های ابتدایی انقلاب بودند به نسبت گروه نخبه (که سن ازدواج در آن ها به دلیل ادامه تحصیل بالاتر است) قصد ازدواج دارند. و مسأله مسکن برایشان حادتر است. ۲- دومین عامل می تواند مربوط به سیاست های دولت آقای خاتمی در بخش مسکن باشد. از آنجایی که دولت آقای خاتمی به دلیل قیمت پایین نفت در آن دوران با مشکل کمبود بودجه مواجه بود، احتمالاً قادر به سرمایه گذاری مناسب در بخش مسکن نبوده است. به هر حال ما در این بخش افزایش چشم گیر نارضایتی را در دوران اصلاحات نسبت به دوران سازندگی در هر دو قشر توده و نخبه شاهد بوده ایم. برعکس دوران سازندگی که شکافی در میزان نارضایتی در دو گروه نخبه و توده وجود نداشت. در دوران اصلاحات توده ۱/۵ برابر از گروه نخبه، نسبت به وضع مسکن شان بیشتر ناراضی بوده اند. افزایش این موج نارضایتی اگر راه حلی برای آن اندیشیده نشود می تواند به سرخوردگی و افزایش یأس اجتماعی منجر شود.

۵- به طور کلی میزان رضایت شما از شهر محل زندگی تان چگونه است؟

دوران سازندگی*		دوران اصلاحات**	
راضی	ناراضی	راضی	ناراضی

توده	۱۳	۶۱	۹	۸۱
نخه	۲۳	۵۱	۱۸	۶۶
شکاف	۲/۱		۲/۲۴	

* (محسنی، ۱۳۷۹: ۲۶۴)

** (یافته های پیمایش، ۱۳۸۲: ۸۳)

از نتایج جالب در این تحقیق افزایش رضایت از شهر محل زندگی در دوران اصلاحات است. با توجه به اینکه جمعیت شهر نشین در چند دهه اخیر در ایران افزایش چشم گیری داشته است و این امر مشکلات و مسائل بسیاری از جمله حاشیه نشینی، ازدحام جمعیت، افزایش انواع جرم، معضل ترافیک و... را در پی دارد، حدس ابتدایی ما بر این بود که رضایت از شهر محل زندگی کاهش یافته است. اما طبق آمار رضایت هر دو گروه نخه و توده از شهر محل زندگیشان افزایش یافته است. این امر را می توانیم ناشی از بهبود مدیریت شهری در دوران آقای خاتمی نسبت به دوران های قبل قلمداد کنیم. اما از سوی دیگر این افزایش رضایت در هر دو گروه به نحو یکسانی نبوده است (رضایت در گروه توده افزایش بیشتری داشته است). همین امر باعث افزایش شکاف میان نظرات توده مردم و گروه نخه جامعه شده است.

۶- میزان رضایت از اوضاع اقتصادی کشور

	دوران سازندگی*		دوران اصلاحات**	
	راضی	ناراضی	راضی	ناراضی
توده	۴	۷۷	۶۲	۱۰
نخه	۷	۷۴	۷۹	۱
شکاف	۱/۸		۱۲/۷	

* (محسنی، ۱۳۷۹: ۴۴۹ و ۴۴۸)

** (یافته های پیمایش، ۱۳۸۲: ۸۴)

یکی از نتایج حیرت انگیز در این تحقیق میزان افزایش نارضایتی در باب اوضاع اقتصادی در دوران اصلاحات است نسبت به دوران سازندگی و همچنین افزایش بسیار شدید شکاف نظر توده و گروه نخبه جامعه در این باب است.

برای تحلیل نتایج این جدول لازم است در ابتدا به تفاوت گویه های به کار رفته در دو پیمایش سال ۱۳۷۴ و ۱۳۸۲ برای سنجش این مقوله اشاره شود. در پیمایش سال ۱۳۷۴ طی دو گویه از مردم پرسیده شده بود: به نظر شما در ۵ سال گذشته وضعیت تولیدات صنعتی و کشاورزی کشور بهبود یافته است یا خیر؟ در این باره لازم به توضیح است از آنجایی که قبل از دوران آقای هاشمی رفسنجانی کشور ما درگیر جنگ بوده است و از سوی دیگر عملکرد دولت ایشان مبتنی بر آبادانی کشور بوده است، مردم تغییرات را کاملاً مشاهده و درک نموده اند و به همین خاطر اوضاع را نسبت به ۵ سال پیش از آن که کشور ما در وضعیت صدمات ناشی از جنگ قرار داشته است، خوب ارزیابی کرده اند.

از طرف دیگر در پیمایش سال ۱۳۸۲ این مقوله با گویه: به طور کلی به چه میزان از اوضاع اقتصادی کشور رضایت دارید؟ سنجیده شده است. از آنجایی که دولت آقای خاتمی به دلیل قیمت پایین فروش نفت و همچنین اولویت قرار دادن برنامه های فرهنگی و سیاسی در دولتشان، ضعف چشم گیری در برآوردن نیازهای اقتصادی مردم داشته اند.

اما در تحلیل شکاف ۱۲/۷ میان نخبگان و توده ها می توان گفت که با افزوده شدن براعتبار و شخصیت اجتماعی گروه نخبه در جامعه در دوران اصلاحات همراه با گسترش شعارهایی از قبیل شایسته سالاری، سطح انتظارات گروه نخبه نسبت به دوران سازندگی افزایش چشم گیری یافت اما از سوی دیگر این انتظارات به دلیل مشکلات اقتصادی و ساختاری دولت بر آورده نگردید. به همین دلیل نارضایتی چشم گیری را در این گروه به همراه داشت. این مسئله می تواند نشان دهنده یأس اجتماعی نسبت به آینده اقتصادی کشور در میان نخبگان باشد.

۷- به طور کلی از زندگی چقدر احساس رضایت می کنید؟

دوران سازندگی*	دوران اصلاحات**	
----------------	-----------------	--

راضی	ناراضی	راضی	ناراضی	
۴۶	۱۹	۶۲	۷	توده
۵۴	۷	۷۱	۸	نخبه
۳/۱۸		۱		شکاف

* (محسنی، ۱۳۷۹: ۲۷۱)

** (یافته های پیمایش، ۱۳۸۲: ۸۵)

این گویه، ارزیابی کلی پاسخ‌گویان را از وضعیتشان نشان می‌دهد و همان‌طور که مشاهده می‌کنیم رضایت از زندگی در دوران اصلاحات در هر دو قشر نخبه و توده کاهش یافته است. از سمتی دیگر شکاف نظر میان دو گروه افزایش یافته است. به طور کلی توده حدود سه برابر بیش از نخبگان احساس نارضایتی می‌کنند.

میانگین کلی رقم شکاف در ۷ گویه مربوط به مقوله احساس یأس در دو دوره ریاست جمهوری

دوران سازندگی*	دوران اصلاحات**	
۱/۷۱	۴/۲۶	رقم شکاف

در جدول بالا به روشنی ملاحظه می‌کنیم که میزان شکاف نظر میان توده‌ها و نخبگان جامعه در دوران اصلاحات به طور چشم‌گیری نسبت به دوران سازندگی در زمینه یأس اجتماعی افزایش یافته است. همین امر می‌تواند تفاوت نظر میان توده‌ها و نخبگان جامعه را که اکنون وجود دارد، تأیید کند. تفاوتی که خود را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ به روشنی نشان داد.

احساس تنهایی

از آنجایی که سؤالات مشابه برای سنجش این مفهوم در دو پیمایش ۱۳۷۴ و ۱۳۸۲ موجود نبود، ما اقدام به ساخت دو مقیاس توسط گویه‌های متفاوت در این دو دوره نمودیم. مقیاس ساخته شده برای سال

۱۳۷۴ از ۳ گویه و مقیاس ساخته شده و برای سال ۱۳۸۲ از ۴ گویه تشکیل شده است. ما در اینجا تنها میانگین این دو مقیاس را گزارش می کنیم، اما در تحلیل جزئیات را نیز بررسی خواهیم کرد.

میانگین رقم شکاف گویه های احساس تنهایی در دو دوره ریاست جمهوری

دوران سازندگی*	دوران اصلاحات**	رقم شکاف
۲/۱	۱/۵	

*(محسنی، ۱۳۷۹: ۳۵۶، ۳۵۵، ۳۵۴)

** (یافته های پیمایش، ۱۳۸۱: ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۴۵، ۲۴۴)

نتایج جدول فوق خیر از کاهش میزان شکاف نظری میان گروه توده و نخبه در دوران اصلاحات نسبت به دوران سازندگی می دهد.

پاسخ ها به مقیاس مورد سنجش در دوران سازندگی حاکی از آن بودند که گروه نخبه دو برابر بیشتر از توده ها احساس تنهایی می کردند. جالب اینجا است که این نسبت در دوران اصلاحات کاملاً معکوس شده است و این در حالی است که احساس تنهایی در هر دو گروه در این دوران کاهش یافته است. اما این رقم در گروه نخبه کاهش بسیار بیشتری داشته است. یعنی نخبگان در دوران اصلاحات حدود ۱/۵ برابر کمتر از توده ها احساس تنهایی می کنند.

احساس عجز و ناتوانی

برای سنجش این مقوله ۲ گویه را مناسب یافتیم. گویه های مقابل هم نهاده شده در دو دوره تقریباً معانی یکسانی را می سنجد و به همین خاطر اقدام به مقایسه آن ها در دو دوره نمودیم.

هر کس پارتی نداشته باشد حقش ضایع می شود؟

دوران سازندگی*		دوران اصلاحات**		
راضی	ناراضی	راضی	ناراضی	
۶۹	۱۵	۱۲	۸۲	توده

نخبه	۱۹	۵۷	۱۳	۷۹
شکاف	۱/۵۳		۱/۱	

* (محسنی، ۱۳۷۹: ۳۵)

** (یافته های پیمایش، ۱۳۸۱: ۱۱۲)

نگرش گروه توده در جامعه ما نسبت به پارتی بازی چه در دوران سازندگی و چه در دوران اصلاحات، نسبت به گروه نخبه منفی تر بوده است. اما شکاف عقیده در نگرش توده به پارتی بازی نسبت به نخبگان در دوران سازندگی بیشتر از دوران اصلاحات بوده است. اما این عقیده در دوران آقای خاتمی در هر دو گروه با شدت بیشتری رواج یافته است که پارتی در سیستم بروکراتی ما یک عنصر کارآمد است و هر کسی که فاقد آن باشد حقیقت ضایع خواهد شد. به خاطر رواج همین عقیده است که شکاف نظر میان نخبگان و توده ها در این باب کمتر شده است. و این نشان دهنده افزایش احساس عجز در هر دو گروه نخبه و توده جامعه در دوران اخیر است.

عده ای معتقداند افراد عادی هر چقدر هم تخصص داشته باشند موفق نمی شوند بلکه پولدارها همیشه موفقند.

دوران سازندگی*		دوران اصلاحات**		
راضی	ناراضی	راضی	ناراضی	
۴۵	۴۰	۴۰	۳۶	توده
۲۲	۵۵	۴۵	۴۹	نخبه
۴/۴۵		۱/۲		شکاف

* (محسنی، ۱۳۷۹: ۳۴۸)

** (یافته های پیمایش، ۱۳۸۱: ۱۱۴)

در جدول فوق مشاهده می کنید که دولت آقای خاتمی هر چند شعارهای اساسی اش حول محور تخصص گرایی و شایسته سالاری بوده است، اما در عمل نتوانسته است (حداقل در نظر مردم) شایسته سالاری را محقق کند، زیرا همان طور که از ارقام جدول بر می آید هر دو گروه نخبه و توده در دوران اصلاحات بیشتر بر این عقیده که تخصص و شایستگی به کار نمی آید، استوار شده اند. دوران سازندگی گروه توده ۴/۵ برابر بیشتر از نخبگان بر این عقیده بوده اند که تخصص در جامعه به کار نمی آید، این رقم با افزایش همین نظر در نزد نخبگان در دوره اصلاحات شکاف میان نظر نخبگان و توده ها را از میان برده است. به طور کلی از جدول بالا می توانیم نتیجه بگیریم که احساس عجز و ناتوانی مخصوصاً در میان نخبگان در دوره آقای خاتمی افزایش چشم گیری یافته است.

تحمل اجتماعی

همان طور که در گذشته نیز ذکر شد متأسفانه علی رغم وجود گویه های مناسب در پیمایش موج دوم سال ۱۳۸۲، در پیمایش سال ۱۳۷۴ تنها یک گویه قابل استفاده در این زمینه موجود بود و از آنجایی که مشابه یکی از گویه های سال ۱۳۸۲ بود همین یک گویه را ملاک مقایسه و سنجش مفهوم تحمل اجتماعی در نظر گرفتیم.

آیا با معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج موافق هستید؟

دوران اصلاحات**		دوران سازندگی*		
راضی	ناراضی	راضی	ناراضی	
۷۲	۲۸	۶۵	۳۳	توده
۸۷	۱۳	۸۰	۱۶	نخبه
۲/۵۹		۲/۵۳		شکاف

*(محسنی، ۱۳۷۹: ۱۱۰)

** (یافته های پیمایش، ۱۳۸۲: ۳۳۶)

تحمل اجتماعی به این مفهوم ارجاع دارد که افراد جامعه تا چه حد می توانند نظر مخالف خود را درک کنند و در مقابل آن مدارا به خرج دهند.

همان گونه که ارقام بالا نشان می دهند گروه نخبه در جامعه ما حدود سه برابر بیشتر از توده مردم اهل مدارا و تساهل هستند. از سوی دیگر میزان تحمل اجتماعی در دوران اصلاحات در میان هر دو گروه رشد یافته است.

در تبیین این مسأله می توان مشارکت بیشتر نخبگان را در گروه ها و انجمن های گوناگون عنوان نمود. زیرا با افراد گوناگون با عقاید مختلف ارتباط دارند و همین امر سبب افزایش تحمل اجتماعی نزد این گروه می شود.

نتیجه گیری

مقاله حاضر بر آن بود تا با توجه به دو سیاست اجتماعی متفاوت که دو رئیس جمهور پیشین ایران در طول ۸ سال ریاست جمهوری خود در پیش گرفتند، به سنجش و مقایسه میزان پیامدهای انزوای اجتماعی در میان دو گروه توده و نخبه جامعه ایران پردازد.

در این راستا ابتدا به بررسی ابعاد «پیامدهای انزوای» اجتماعی پرداختیم و نشان دادیم چهار بعد اساسی «احساس یأس»، «احساس تنهایی»، «احساس عجز» و «تحمل اجتماعی» را می توانیم به عنوان ابعاد پیامدهای انزوای اجتماعی قلمداد کنیم. سپس شاخص های پیامدهای انزوای اجتماعی در دو پیمایش ارزش ها و نگرش هایی که در دوران دو رئیس جمهور انجام شده است مورد بررسی قرار دادیم. در ادامه میزان شکاف را در میان دو گروه توده و نخبه محاسبه کرده و آن ها را در دوران سازندگی و اصلاحات مقایسه نمودیم.

روش مورد استفاده در این تحقیق تحلیل ثانویه است، از جمله مزایای تحلیل ثانویه این است که محقق را به تفکر بیشتر درباره مطالب اساسی و اهداف نظری و می دارد و می کوشد تا در مورد مسائل روش شناسی و گردآوری داده های جدید مطالعه کند و این خود یکی از دلایل اعتبار بالای این روش است اما در تحلیل ثانویه از آنجایی که تحقیق در گذشته صورت گرفته است و محقق نقشی در ساخت گویه ها و روند تحقیقات ندارد، با محدودیت هایی در ساخت مجدد مفاهیم و تحلیل آن ها روبه رو است. در مقاله

حاضر نیز گویه های تحقیقات گذشته هیچ کدام به طور کامل پوشش دهنده مفاهیم مورد استفاده ما نیستند. از همین رو بالاجبار مفاهیمی مرکب از گویه های مربوط به یأس اجتماعی، احساس عجز، احساس تنهایی، تحمل اجتماعی و پیوندهای اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است که به دلیل عدم شباهت در برخی از گویه های این مفاهیم در سال های ۱۳۷۴ و ۱۳۸۲ مجبور شدیم گویه های مشابه را به عنوان مترادف در نظر بگیریم که این امر از محدودیت های مقاله حاضر است، البته این نوع محدودیت در اکثر تحقیقات از نوع تحلیل ثانویه مشاهده می شود.

نتایج این تحقیق در بررسی چهار بُعد پیامدهای انزوای اجتماعی حاکی از آن بود که هر چند سیاست های آقای خاتمی در برخی از شاخص های یأس اجتماعی از جمله؛ رضایت از خانواده، رضایت از وضع سلامتی و رضایت از وضع شهر محل زندگی موفق بوده است، اما دیگر شاخص ها و معرف های پیامدهای انزوای اجتماعی در دوران ایشان حاکی از افزایش احساس یأس در میان هر دو گروه نخبه و توده است. از سوی دیگر شکاف نظر میان این دو گروه نیز در این دوران افزایش یافته است.

در بُعد احساس تنهایی نتایج به گونه ای دیگر بود. در حالی که در دوران سازندگی قشر نخبه به شدت خود را بیگانه و تنها احساس می کرد اما در دوران اصلاحات از احساس تنهایی این گروه بسیار کاسته شد.

در بُعد احساس عجز و ناتوانی اجتماعی عملکرد دولت آقای خاتمی در مقایسه با دولت آقای هاشمی رفسنجانی بسیار ضعیف تر بوده است، زیرا هر دو گروه نخبه و توده احساس عجزشان در این دوره افزایش یافته است.

اما در مورد تحمل اجتماعی افزایش ناچیزی را در دوران آقای خاتمی مشاهده می کنیم. اما نکته قابل ملاحظه در این باب شکاف میان نظر توده و گروه نخبه است که آن را ناشی از تعاملات بیرون گروهی بیشتر گروه نخبه نسبت به توده دانستیم.

در نهایت می توانیم در یک ارزیابی کلی سیاست های اجتماعی دولت آقای خاتمی را در کاهش پیامدهای انزوای اجتماعی ضعیف قلمداد کنیم، زیرا در بیشتر ابعاد پیامدهای انزوای اجتماعی در دوران ایشان در هر دو گروه نخبه و توده روند افزایشی را شاهد بوده ایم و از سوی دیگر شکاف نظری میان توده

ها و نخبگان نیز گسترش یافته است. البته می توان این موضوع را حاصل انتظارات زیاد مردم از دولت ایشان و از سوی دیگر کاهش درآمدهای ارزی دولت در طی دوران اصلاحات دانست.

فهرست منابع

- آزاد ارمکی، تقی و چاوشیان، حسن (۱۳۸۳): *بدن به مثابه رسانه هویت*، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴، صص ۵۷-۷۵.
- بر کوویتز، لئونارد (۱۳۷۲): *روان شناسی اجتماعی*، ترجمه محمدحسین فرجاد، تهران، انتشارات اساطیر.
- بیکر، ترز (۱۳۷۷): *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، مترجم، هوشنگ نایی، تهران، نشر روش.
- پانام، روبرت (۱۳۸۰): *دموکراسی و سنت های ملنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات روزنامه سلام.
- چلبی، مسعود و امیر کافی، مهدی (۱۳۸۳): *تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی*، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۳-۳۱.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵): *جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- حنفی، محمدرضا (۱۳۷۹): *تا صبحدم: روان شناسی نفوذ اجتماعی خاتمی رئیس جمهور ایران*، تهران، روزنامه سلام.
- دلاویز، محسن (۱۳۸۵): *قدی بلندتر از دیوارهای شهر: زندگی نامه، ویژگی های شخصیتی، مرور و ارزیابی سه هزار روز ریاست جمهوری سید محمد خاتمی*، تهران، متن گستران آریا.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸): *خودکشی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران، انتشارات علامه طباطبایی.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۹): *اقتصاد ایران*، تهران، نشر نی.
- عبدی، عباس و گودرزی، محسن (۱۳۷۸): *تحولات فرهنگی در ایران*، تهران، انتشارات روش.
- کافی، امیر (۱۳۸۲): *تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی (بررسی دوشهر تهران و کرمان)*، رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸): *تجدد و تشخص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- محسنی تیریزی، علیرضا (۱۳۷۰): *بیگانگی*، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹): *بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران*، تهران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.

وزیری (۱۳۸۱): *نختمی؛ عبور از بحران، وقایع نگاری عصر اصلاحات، تهران، اکنون.*
 یافته های پیمایش (۱۳۸۰): *ارزش ها و نگرش های ایرانیان، موج اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.*
 یافته های پیمایش (۱۳۸۲): *ارزش ها و نگرش های ایرانیان، موج دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.*

Figueira-McDonough, Josefina (۲۰۰۱): *Community analysis and praxis*, Brunner-Routledge.

Halvorsen, Knut (۲۰۰۱): *Unemployment, social isolation and loneliness*.
 (Http://www.socsci.auc.dk/cost/unemployment/malta۲۰۰۲/knuthalvorsen)

Klerman, Gerald (۱۹۸۶): *Suicide and depression among adolescents and young adult*, American Psychiatric press, Inc.

Paxton, Pamela (۲۰۰۲): *social capital and Democracy: an interdependent Relationship*, American Sociological Review, Vol. ۶۷, PP: ۲۵۴-۲۷۷.

Pesaran, Hashem (۲۰۰۰): *Economic Trends & Policies In Post Revolutionary Iran* (In the Economy of Iran, Dilemma of an Islamic State), London: I.B. Tauris Publishers.

Ross, Catherine E. and Sung Joon Jang (۲۰۰۰): *Neighborhood Disorder, fear, and Mistrust: The Buffering Role of Social Ties with neighbors*, American Journal of Community Psychology, Vol. ۲۸, No. ۴.

Seeman, Melvin (۲۰۰۰): *The signals of: Alienation in pre-crisis france* American Sociological Review, Vol. ۳۷, No ۴.

Urick, Ronald V (۱۹۷۰): *Alienation: Individual or social problem?*, Prentice-Hall, Inc.

Wellman, Barry and Scot wortly (۱۹۹۰): *Different strockes from different folks: Community and social support*, AJS Vol. ۹۶, No. ۳: ۵۵۸-۵۸۸.

مشخصات نویسندگان:

دکتر سید حسن حسینی، استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
 مجید فولادیان، کارشناس ارشد جامعه شناسی و گرایش روان شناسی اجتماعی دانشگاه تهران

majidfdn@yahoo.com

زینب فاطمی امین، کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی از دانشگاه شهید بهشتی

zeinabfatemi@gmail.com